

# نقش مردان ایرانی در تداوم تبعیض‌های جنسیتی علیه زنان

Photo: grigvovan/depositphotos.com

جلال یعقوبی

استمرار و بقای بخش بزرگی از نابرابری‌های جنسیتی در ایران به دلیل منافی است که جامعه مردان از این وضعیت به دست می‌آورد. تجربه طولانی استقرار حکومت مذهبی در ایران و حاکمیت قوانین فقهی در حوزه احوال شخصیه، تبعیض جنسیتی را به پدیده‌ای عادی و طبیعی در ایران تبدیل کرده و غیراخلاقی بودن و ناهنجاری آن را از یادها برده است.

امروز تبعیض گسترده علیه زنان، از پوشش و سبک زندگی تا آموزش و درمان و کار و همچنین حقوق اساسی مربوط به ازدواج و زناشویی و حتی ارث و دیه را دربرگرفته و زندگی فردی و اجتماعی آنان را تحت تاثیر قرار داده است.

اما سرکوب زنان و تبعیض ساختاری علیه آنان که با حاکمیت فقیهان گسترش چشم‌گیری یافته، بدون همراهی مردان ممکن نبوده و اکثریت مردان ایرانی که همواره از این تبعیض متنفع شده‌اند، با گذشت زمان به آن عادت کرده و از بقای آن استقبال می‌کنند.

[به کانال تلگرام خانه امن بپیوندید.](#)

نباید فراموش کرد که مردان اگر مخالف این وضعیت باشند، می‌توانند بخشی از تبعیض‌هایی را که در قوانین فقهی (و قوانین مدنی) وجود دارد و به مرور تبدیل به «حق» برای آنان شده است کنار بگذارند. برای نمونه قوانین مربوط به ارث یا طلاق از جمله مواردی هستند که مردان می‌توانستند از تحقق تبعیض جنسیتی در آن جلوگیری کنند.

البته با توجه به تجربه گذشته باید گفت امیدواری به جلوگیری داوطلبانه از تبعیض در حالی که قانون از آن حمایت می‌کند و همواره به سود یک طرف ماجرا موضع می‌گیرد، واقع‌بینانه نیست.

از طرفی، تغییر قوانین نیز تا زمانی که توان اجتماعی و سیاسی نیروهای مخالف تبعیض بر هژمونی و سلطه هواداران تبعیض غلبه نکند، ممکن نخواهد بود.

## مسئولیت مردان در مسیر برابری

با توجه به این واقعیت، همراه کردن مردان با خواست برابری جنسیتی می‌تواند یکی از قدم‌های مهم برای تضعیف ساختار سلطه و در نتیجه باز شدن راه برای تغییر باشد.

مسئولیت مردان در تحقق این برابری و رفع تبعیض از زنان، هم مسئولیتی اخلاقی است و هم مسئولیتی اجتماعی، اما متأسفانه باید اعتراف کرد تحولی جدی در این زمینه، دور از انتظار است.

بر اساس تحقیقی که سال ۵۸۳۱ منتشر شده، ساختارهای «نابرابری جنسیتی» به دلیل قدرت بیشتری که به مردان داده‌اند، در سال‌های آینده نیز همچنان برجا خواهند ماند.

طبق این تحقیق، «تقسیم کار کلان جامعه ایران بر اساس جنسیت است و این امر به مردان قدرت بیشتری برای تامین منافع خود اعطا می‌کند.»

از طرفی «بخش اعظم جامعه ایران، تعاریف سنتی از نقش‌های زن و مرد را پذیرفته‌اند و نظام قدرت و تقسیم کار در قالب ارزش‌ها، هنجارها و قوانین مدون به نفع مردان مشروعیت یافته‌اند.»

در نتیجه: «به طور کلی، نظام نابرابری جنسیتی در ایران از طریق فرآیند جامعه‌پذیری جنسیتی، بازتولید می‌شود و همچنان به بقای خود ادامه خواهد داد.» [نابرابری جنسیتی در ایران (بقا یا تغییر)، عباس لهسایی‌زاده، مجله جامعه‌شناسی، بهار ۵۸۳۱، شماره ۵، ص ۷۴]

این تحقیق همچنین نشان می‌دهد منافع مردان تا چه اندازه در فرودستی زنان تامین شده و به همین دلیل اجازه رشد از زنان گرفته شده است.

بیشتر بخوانید:

[راهنمای «فرهنگ تجاوز» برای مردان محترم](#)

[مفهوم ناموس و نقش آن در خشونت علیه زنان: یک پژوهش علمی](#)

[تاثیر فقه در نابرابری جنسیتی و خشونت خانگی](#)

چنانچه تحقیقات جزئی‌تر نیز بررسی شود، نقش مردان در قوام ساختار تبعیض آشکارتر خواهد شد.

مطابق تحقیق دیگری که سال ۶۹۳۱ در یک مجله وابسته به مجتمع آموزشی زنان پلیس منتشر شد، گرچه میزان تولید نابرابری جنسیتی در بین خانواده‌های سنتی و مدرن مورد مطالعه متفاوت بود و سهم خانواده‌های سنتی بیشتر به نظر می‌آمد، اما خانواده‌های مدرن هم در تولید این نابرابری‌ها سهم بزرگی داشتند.

در این تحقیق نیز جامعه‌پذیری جنسیتی به ایدئولوژی مردسالاری و سلطه‌جویی مردان مرتبط بود.

نتیجه نهایی این تحقیق که در شهرستان گرمسار انجام شد، این بود: «تولید نابرابری جنسیتی در بین خانواده‌های شهر گرمسار عمومیت داشته و این نابرابری در بین خانواده‌های سنتی از شدت بیشتری برخوردار است.»

البته میانگین نابرابری جنسیتی در این تحقیق آن‌قدر به هم نزدیک بود که تفاوت چندان معنی‌داری را نشان نمی‌داد. بر این اساس میانگین نابرابری جنسیتی در خانواده‌های سنتی حدود ۵۹ درصد و در خانواده‌های مدرن ۲۹ درصد بود. [بررسی عوامل موثر بر تولید نابرابری جنسیتی در بین خانواده‌های شهر گرمسار، فائزه قنبری، مجله پژوهش‌های انتظامی-اجتماعی زنان و خانواده، بهار و تابستان ۶۹۳۱، صص ۹۶ و ۸۷]

اهمیت نتایج این پژوهش در آن بود که نشان می‌داد بازتولید نابرابری‌های جنسیتی و سرکوب زنان در خانواده‌های مدرن نیز به همان گستردگی خانواده‌های سنتی است و این تصور نادرست که این نابرابری‌ها تنها ریشه در باورهای سنتی دارند، چندان قابل قبول به نظر نمی‌رسد.

مسئله اصلی همین است که فرودستی زنان در ایران که طی چند دهه پس از حکومت مذهبی به صورت ساختاری و قانونی هم درآمده، ریشه‌های عمیقی در فرهنگ مردسالار جامعه ایران دارد: فرهنگی که تنها به بخش سنتی آن مرتبط نیست. در واقع نفعی که مردان (هم سنتی و هم مدرن) از سرکوب زنان و تبعیض علیه آنان برده‌اند، آن‌چنان است که بدون توجه به خاستگاه طبقاتی یا ایدئولوژیک آنها، اکثریت مردان همچنان خواستار ادامه این وضعیت هستند.

از این جهت است که برای توضیح و فهم وضعیت بغرنج زنان در ایران و ساختار تبعیضی که هر روز گسترده‌تر می‌شود، نهادن همه مسئولیت بر عهده حکومت فقهی قابل قبول نیست و بی‌تردید مسئولیت همه مردان ایرانی هم در این باره باید در نظر گرفته شود.

## [از ۸ مارس تا ۸ مارس زمزمه کنیم](#)



گامهای کوچک ما آرزوهای بزرگ ما را محقق خواهد کرد

“ شما علیه خداوند و طبیعت اعتصاب کرده اید ” این گفته قاضی دادگاهی است که در سال ۸۰۹۱ زنان کارگر معترض به حقوق نابرابر و شرایط سخت کار در نیویورک را محاکمه میکرد. از آن روز، تا روزی که بانکی مون، به مناسبت روز جهانی زن در سال ۴۱۰۲ شعار برابری برای زنان - پیشرفت برای همه را اعلام کرد ۶۰۱ سال میگذرد. ۶۰۱ سال پرفراز و فرود، سرشار از امید و تلاش، که جز در سایه تلاش زنان به دست آوردهای کنونی منتهی نمیشد. تلاشی که هنوز در سراسر جهان برای حقوق برابر ادامه دارد و نیازمند فداکاری و همیاری هر چه بیشتر زنان است.

تاریخ را ورق میزنیم. لابلای ورقها روزی است که یک کارخانه آتش گرفته. ۸ مارس ۷۵۸۱ که کارگران زن در میان آتش محصور شده اند. زنانی که در شرایط خطرناک و با دستمزدهای ناچیز کار می کردند. تعدادی از زنان کارگر زنده زنده سوختند. دیگر زنان کارگر که در کارگاههای پارچه بافی و لباس دوزی کار میکردند به خیابان ها ریختند و خواهان بهبود شرایط کار شدند. پلیس به صفوف زنان حمله کرد و آنها را مورد ضرب و شتم قرار داد. یکی از کارگران دوزنده در شرح خاطرات خود چنین گفته است: “ ما لباس ارزان می پوشیدیم، در سرپناه های ارزان زندگی می کردیم، و خوراک ارزان می خوردیم. هیچ پیشرفتی در کار نبود. در انتظار روزی که وضع بهتر از این شود نبودیم.”

۰۵ سال گذشت. سال ۷۰۹۱ مبارزات اوج گرفته بود. زنان آمریکایی تصمیم گرفتند ۸ مارس، که مصادف با پنجاهمین سالگشت سوختن کارگران زن بود تظاهراتی بر پا کنند و به دنبال شعار محوری حرکت خود بودند. در نهایت آنها شعار محوری “ حق رای برای زنان ” را برگزیدند و همین جا بود که ایده انتخاب روزی از سال به عنوان روز زن مطرح شد. ان سالها زنان که بسیاری از آنان نوجوان بودند، علیرغم دستگیری های گسترده، جریمه های سنگین، و ضرب و شتم توسط پلیس و اوباش مزدور، به تظاهرات و مبارزه ادامه دادند. زنانی از طبقات میانی و بالائی جامعه نیز از اعتصاب کنندگان الهام گرفتند، برای اعلام پشتیبانی به محل تحصن آنان آمدند و دستگیر هم شدند. و زمانی که روزنامه ها گزارشات در مورد این دستگیری های غیر عادی منتشر کردند، عامه مردم رفته رفته به شرایط بردگی مزدی زنان اعتصابی پی بردند و به یکدیگر پیوستند تا زمینه های “ خیزش بیست هزار نفری ” زنان آغاز شد.

یکی از کارگران شرکت پیراهن دوزی “ تریانگل ”، واقعه را چنین تعریف کرد: “ هزاران هزار نفر از هر گوشه، کارخانه ها را ترک گفتند. همه آنان بسوی “ میدان اتحاد ” روان شدند. ماه نوامبر بود و زمستان سرد به در می کوفت. هیچیک از ما پالتو به تن نداشت. اما روحیه خوبی داشتیم که به ما اجازه داد به راهپیمائی ادامه دهیم و خود را به سالن ها برسانیم. در آنجا موقتا از گزند سرما و باد در امان بودیم. جوانانی را بیاد می آورم که اکثرشان زن بودند و بی اعتنا به حوادث احتمالی همچنان به پیش می رفتند. روح پیروزی، تسخیرشان کرده بود. به اینکه چه در انتظارشان بود فکر نمی کردند. آنان واقعا به فکر گرسنگی، سرما، تنهائی و معضلات دیگری که می توانست برایشان پیش بیاید نبودند. در آن روز خاص، آنان به هیچ چیز اعتنا نداشتند. این روز متعلق به آنان بود. ” ۱

. این خیزش، منطقه شرق نیویورک و بسیاری از زنان و مهاجران را از احساس سربلندی و قدرت انباشته ساخت. مبارزاتی که بعدها کشورهای مختلف را در نور دید. در سال ۵۷۹۱ سازمان ملل هشتم مارس را به عنوان «روز جهانی زن» برسمیت شناخت روزی که نه تنها متعلق به زنان که متعلق به همه مردانی است که به دنیایی عاری از خشونت عشق میورزند.

اما از ۸ مارس ۷۵۸۱ تا ۸ مارس ۴۱۰۲ چه گذشت؟ چه گذشت که از زمانی که به زنانی که تنها شرایط کار کردن بهتر میخواستند قاضی نیویورکی گفت:

“ شما علیه خداوند و طبیعت اعتصاب کرده اید تا زمانی که در همان شهر نیویورک بان کی مون دبیر کل سازمان ملل میگوید: برابری برای زنان پیشرفت برای همه است. و فعالیت برای این برابری را وظیفه دولت ها، سازمان ملل متحد و هر انسانی بیان میکند.

در ورای تمام این سالها یک نکته نهفته است. در تمام این سالها زنانی که برای منزلت و حق برابر تلاش کردند. زنانی که از کتک و دادگاه و زندان و هر گونه اتهامی علیه اشان دریغ نشد. این زنان با همه فشارها، شک نکردند و مستمر و بی انقطاع تلاش کردند. آنها هم می ترسیدند. آنها هم خانواده داشتند اما تلاش کردند. آنها به دنبال عشق و غرور انسانی بودند. آنها میخواستند به عنوان انسان شناخته شوند. آنگونه که آفریده شده اند.

واقعیت این است که همه دست آوردهای که امروز زنان در کشورهای غربی به دست آورده اند مفت به دست نیامده است. مردان این برابری را در سینی طلا به آنها تقدیم نکرده اند. این برابری در سایه سالها و سالها تلاش مستمر و عشق به برابری به دست آمده است. آنها فقط برای دخترانشان کهنه عوض نکردند آنها به فرزندانیشان نگاه برابر بخشیدند. این زنان در لالایی های و زمانی که دختران و حتی پسرانشان را زیر پستان شیر میدادند عشق به برابری را زمزمه میکردند.

هر چند که امروز هنوز راه طولانی در پیش است. هر چند که هنوز باید دهها مانع را از مقابل خود بردارند اما آنچه به دست آمده است از راه صعب العبوری گذشته است. راهی که این زنان مستمر و دائمی در آن تلاش کرده اند و از پا نایستاده اند و این پیام اصلی ۸ مارس ۴۱۰۲ است.

پس بیایید ما هم مستمر و دائمی، با عشق و آرزو برای داشتن منزلت و احترام و حقوق برابر تلاش کنیم. بی تفاوت نباشیم. برای داشتن زندگی بدون خشونت تلاش کنیم. اطمینان داشته باشیم که مردانی هم هستند که چه از روی ضرورت چه از روی باور در این مسیر با ما هستند. حق ما داشتن زندگی بدون خشونت است. گامهای کوچک ما آرزوهای بزرگ ما را محقق خواهد کرد.

<http://shora-hamburg.com/> نوشتار/تاریخچه-ی-واقعی-8-مارس-روز-جهانی-زن-۱-

## بیانیه خانه امن به مناسبت روز جهانی زن 8 مارس 2014

در آستانه روز جهانی زن، تاثیرگذارترین قوانینی را که مزاحم کنترل خشونت خانگی در ایران است، مرور می کنیم. بی تردید این مرور تکراری است، اما وقتی در کشوری رویکرد نهادهای قانونگذاری همچنان بر تغییر ناپذیری و ایستائی قوانین تبعیض آمیز استوار است و تعهدی بر ضرورت بازنگری در این قوانین که از منابع کهن سرچشمه می گیرد و با مقتضیات اجتماعی امروز ایران تناسبی ندارد، اصرار و تاکید می می شود، به ناچار تا زمانی که به مقصود نرسیده ایم، ناگزیر از تکرار خواسته های عادلانه ای هستیم که تا تامین نشود، زندگی زنان ایرانی با تنش و ناامنی در آمیخته است.

روز جهانی زن 8 مارس را با تاکید بر فرازی از اعلامیه جهانی حقوق بشر که دولت ایران بر آن صحنه گذاشته است، تهنیت می گوئیم:

«تمام افراد بشر آزاد به دنیا می آیند و از لحاظ حیثیت و حقوق با هم برابرند.»

بنابراین هر شکل از تبعیض جنسیتی، بی تردید به خشونت منجر می شود و بر حیثیت و آزادی انسانی که به علت جنسیت بر آن تعدی شده، صدمه وارد می کند.

“خانه امن” امروز که نگاه جهانی و نهادهای بین المللی و ملی در سطح جهان بیش از پیش، متوجه و متمرکز بر رفع تبعیض از زنان است، نمونه هائی از قوانین ترویج دهنده خشونت خانگی یا کاستی های قانونی که منجر به خشونت خانگی می شود را از نظر مدیران و متصدیان قانونگذاری در ایران می گذراند. به امید آن که موضوع را جدی بگیرند و پاسخگوی زنان ایرانی، در احقاق حق بشوند.

خواسته هائی که در اولویت است این هاست:

حق مطلق مردان را برای طلاق محدود کنید.

حق زن بر خروج از خانه، اشتغال، ادامه تحصیل، سفر به داخل و خارج از کشور را همچون یک انسان آزاد به رسمیت بشناسید. در حال حاضر کم نیستند زنانی که به علت محرومیت از این حقوق انسانی در حبس خانگی شوهران خود به سر می برند، و مراجع قضائی هم به این درجه از محرومیت و محدودیت آنها اهمیت نمی دهند.

دیه (خون بهای) زن را با دیه (خون بهای مرد) برابر کنید. این نابرابری ترویج دهنده خشونت خانگی است.

به صورت جدی با ختنه دختران که در مناطقی از ایران بسیار رایج است، برخورد کنید. قانونگذاری و فرهنگ سازی برای کنترل آن تکلیف دولت است.

سن مسئولیت کیفری دختران را که در حال حاضر به صورت بی رحمانه ای 9 سال به سال هجری قمری است، متناسب با عرف جامعه کنونی ایران و موازین جهانی، تا 18 سالگی به سال شمسی بالا ببرید. در حال حاضر یک دختر بچه 8 سال و نیمه به سال شمسی مثل بزرگسالان، در معرض مجازات های خشونت آمیز مندرج در قانون مجازات اسلامی مصوب 1392 است.

پرداخت بیمه بیکاری به زنان سرپرست خانواده که منبع درآمد کافی برای تامین رفاه خود و فرزندان شان ندارند. به عبارت دیگر توجه همه جانبه نسبت به مسائل و مشکلات “مادران آنها” که هر نوع بی اعتنائی در باره آنها، از نظر فردی و اجتماعی خطرناک است و آنها را جذب حوزه هائی می کند که متناسب با کرامت انسانی آنها نیست.

بازنگری در قوانین ارث و چند همسری با هدف بهبود موقعیت مالی و عاطفی زنان.

ایجاد فضای باز برای رشد جامعه مدنی از حیث حضور فعال زنان در تشکلهای و سازمانهای مستقل مدنی به گونه ای که با احساس امنیت در حیات مدنی و اجتماعی حضور یافته و برای حل مشکلات زنان و کودکان پیایی تحقیق و برنامه ریزی کنند و فرصت داشته باشند تا با مدیران ذیربط در امور زنان و کودکان و همچنین با نهادهای تصمیم گیرنده در حوزه کارآفرینی برای زنان و بازگرداندن کودکان خیابانی به مدارس و بررسی وضعیت کودکان کار، در تماس و تبادل نظر دائمی باشند.

الغاء فوری قانون کودکان بد سرپرست و بی سرپرست در جائی که به نکاح فرزند خوانده با سرپرست، مقبولیت قانونی و شرعی می بخشد.

از دستور خارج کردن "طرح جامع جمعیت و تعالی خانواده" که زنان را به صورت صریح تبدیل به ماشین تولید مثل می کند و به صورت بسیار رندانه به بهانه ضرورت برخورداری از جمعیت جوان، آنها را به بازگشت به خانه وادار می کند.

تدوین و تصویب فوری قانون خاص برای کنترل خشونت خانگی که در آن جهات "بازدارندگی" مردی که در خانواده مرتکب خشونت می شود، تقویت بشود. به این منظور نمی توان بدون ایجاد شبکه خانه های امن و همکاری نظام پزشکی و ایجاد مسئولیت برای بخش های اورژانس، و همکاری کانون وکلای دادگستری برای ایجاد تسهیلات در برخورداری زنان قربانی خشونت خانگی از وکلای معاضدتی، جهات بازدارندگی قانون مورد در خواست را اجرائی کرد.

تاسیس و راه اندازی خانه های امن و پناهگاه های مخصوص زنان و کودکان که در معرض خشونت خانگی قرار دارند . پناهگاههای که پیش از این در بسیاری از کشورهای اسلامی و در حمایت از قربانیان خشونت خانگی تاسیس شده و نه تنها منع شرعی ندارد بلکه می تواند در جهت تحقق شعار رحمانیت در اسلام باشد . بدون شک تاسیس این خانه ها در جهت کاهش آسیب های اجتماعی نیز موثر است .

"خانه امن" امیدوار است دولت ردیف بودجه لازم را برای تصویب لایحه قانونی بیمه زنان خانه دار، در سال آینده تامین کند تا شورای نگهبان بتواند بر آن صحنه گذاشته و یک مسئله عمده اجتماعی زنان ایرانی که به خودی خود، منبع و منشاء باز تولید خشونت خانگی است، از پیش پا برداشته شود.

"خانه امن" در سالی که بزودی نو می شود، از هر کوششی برای رسیدن به این خواسته ها دریغ نخواهد کرد.